

Challenges of Social Participation in the Development of Community-Based Tourism in Iran

Faezeh Sadat Mirfakhreddini * 

Assistant Professor, Department of Tourism
Management, Yazd University, Yazd, Iran.

Introduction

Tourism development can bring numerous benefits to communities (Adebayo & Butcher, 2021: 211). However, it can also have negative impacts, such as rising living costs for local residents and a decline in their overall quality of life (Gohori & van der Merwe, 2021:5). These negative impacts of tourism may reflect inadequate planning or insufficient community involvement in tourism planning (Llupart, 2022: 8). Researchers have sought to mitigate the negative impacts of tourism development by implementing a form of sustainable tourism. This effort led to the creation of "community-based tourism," which is fundamentally focused on encouraging local community involvement in tourism development. (Setokoe & Ramukumba, 2020: 15).

Community-based tourism is a form of tourism that emphasizes the active participation of local communities in development and management. Its purpose is to empower communities by involving them in decision-making, providing economic benefits, and preserving social and cultural resources. An essential aspect of this type of tourism is to ensure the local community's involvement in tourism planning. (Wanner & Probstl, 2019: 7).

This article aims to identify the key challenges associated with community participation in the tourism development process of the country. To achieve this, it reviews existing literature on the subject and gathers insights from research experts. Following the identification of these challenges, the article presents a logical framework to offer scientific solutions to address them.

Literature Review

Various researches in the world have investigated the issue of "community participation" in the tourism industry, which is an indication of the importance of

* Corresponding Author: tajmazinani@atu.ac.ir

How to Cite: Mirfakhreddini, F. S. (2025). Challenges of Social Participation in Development of Community Based Tourism in Iran, *Journal of Social Development and Welfare Planning*, 16(63), 81-122.

this issue; In the researches carried out in the field of "social participation" during recent years at the world level, there is a great tendency to examine "the local community's point of view on tourism development", "empowerment" and "exploring tourism potential" (Boonwanno et al, 2022, Lekaota, 2019, Mansor et al, 2019, Rastegar et al, 2021, Sarr et al, 2020), it can be observed that the examination of the challenges and obstacles to participation has been considered to some extent during the research process or in the results and suggestions sections of existing studies.

Some studies primarily focus on challenges and barriers to participation, while others analyze data and identify challenges and obstacles. Human resource development in community-based tourism, during the research process, identifies the existence of social participation challenges as a threat to tourism development. Furthermore, in his article, Lekaoto (2019) aimed to explore the local community's perspective on tourism development, noting that the inadequate conditions for local community participation were regarded as a secondary issue.

Researchers such as Adibao and Butcher (2021), who specifically sought to determine the limits of social participation in tourism, have also addressed this issue with a partial perspective and have highlighted the negative effects of non-participation. Sarret et al. (2020) aimed to identify the cause of dissatisfaction within the local community regarding their lack of involvement in tourism development, concluding that the beneficiaries' ambitions were to blame.

Research conducted by Kala and Bagri (2018), Nguyen et al. (2020), Rindravati (2023), and Setokue and Ramukumba (2020) has clearly identified the challenges of participation in tourism. These studies provide a focused perspective on this issue.

Materials and Methods

The current research falls under the category of applied research, as it focuses on developing practical knowledge and its application within the tourism sector. The researcher collected and analyzed data over three months. Initially, the challenges to participation were identified through a review of the literature and existing research. Following this, a communication model was developed using the interpretative structural modeling technique to illustrate the relationships between the identified challenges.

Conclusion

According to the findings of this research, the root of executive and social challenges is fundamental challenges. This type of centralized structure will lead to the non-implementation of the participatory approach in the local community.

In conclusion, the local community's role is essential in strengthening "community-based tourism," fostering a harmonious and mutually beneficial relationship between tourism and local communities. By empowering and engaging the local community, tourism can contribute to the preservation of cultural heritage, economic development, and environmental protection, ultimately creating a more sustainable and equitable future for society and the tourism industry. The findings highlight the importance of community participation and emphasize the need for inclusive decision-making and social participation in tourism development. By addressing the identified challenges, this research emphasizes community-based tourism development as it will benefit both local communities and the tourism industry.

Keywords: Community-Based Tourism, Social Participation, Social Happiness, Participation Challenges, Tourism Development



چالش‌های مشارکت اجتماعی در جریان توسعه گردشگری جامعه‌محور در ایران

فائزه السادات میرفخرالدینی *  | استادیار، رشته مدیریت گردشگری، دانشگاه یزد، یزد، ایران

چکیده

"گردشگری جامعه‌محور" به‌عنوان یک ابزار مناسب و جایگزین برای ترویج توسعه گردشگری، افزایش رفاه جامعه و همچنین توانمندسازی جوامع محلی دیده می‌شود. هدف این نوع از گردشگری با مشارکت فعال و توانمندسازی جامعه محلی، به حداقل رساندن اثرات منفی اجتماعی، فرهنگی و زیست‌محیطی و درعین حال تقویت منافع اقتصادی و افزایش نشاط اجتماعی و رفاه برای جامعه است. این تأثیرات تلاش دینفعان توسعه گردشگری در مشارکت دادن جوامع محلی را توجیه می‌کند. بااین حال، علی‌رغم تلاش برای مشارکت معنادار در طرح‌های توسعه گردشگری، مشارکت جامعه همچنان یک چالش است. بنابراین این مطالعه با هدف شناسایی چالش‌های مشارکت اجتماعی جامعه محلی و همچنین ارائه پیشنهادها عملی به‌منظور برون‌رفت از این چالش‌ها، تدوین شده است. به‌منظور انجام این پژوهش در ابتدا با استفاده از مطالعه پیشینه پژوهش، چالش‌ها شناسایی و مورد بررسی قرار گرفت. در ادامه این چالش‌ها با استفاده از تکنیک مدل‌سازی ساختاری تفسیری، به شکل یک سیستم ساختارمند درآمدند. به‌منظور برازش سیستم ساختاری شکل گرفته از تکنیک معادلات ساختاری از نرم‌افزار SmartPLS استفاده گردید. جامعه آماری پژوهش حاضر را ۲۹ نفر از فعالین صنعت گردشگری ایران به‌عنوان خبره و ۱۱۴ نفر به‌عنوان نمونه پاسخگوی پرسشنامه، شامل می‌شوند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که چالش‌های شناسایی شده در سه دسته اجرایی، بنیادی و اجتماعی قرار می‌گیرند و همچنین چالش‌های دسته بنیادی، منشأ سایر چالش‌ها بوده و در ادامه به‌منظور رفع آنها پیشنهادهایی ارائه شد.

کلیدواژه‌ها: گردشگری جامعه‌محور، مشارکت اجتماعی، نشاط اجتماعی، چالش‌های مشارکت، توسعه گردشگری.

مقدمه

توسعه گردشگری تأثیرات مثبت زیادی بر جوامع دارد؛ به گونه‌ای که می‌تواند اقتصاد محلی را تحریک کند؛ منجر به ترویج اشتغال برای مردم محلی شود و درآمدی قابل قبول برای مناطق گردشگری نیز ایجاد نماید (Adebayo & Butcher, 2021: 211). از سوی دیگر، توسعه گردشگری ممکن است اثرات نامطلوبی نیز بر گردشگری داشته باشد، مانند افزایش وقوع جرم و جنایت در منطقه، افزایش هزینه زندگی برای جامعه محلی، رنجش جوامع میزبان نسبت به گردشگران و کاهش کیفیت زندگی ساکنان (Gohori & van der Merwe, 2021: 5). این اثرات منفی گردشگری ممکن است نشان‌دهنده عدم برنامه‌ریزی یا عدم مشارکت اجتماعی در برنامه‌ریزی گردشگری باشند (Llupart, 2022: 8). در نتیجه، محققان به منظور کاهش اثرات منفی توسعه گردشگری، بر آن شدند تا نوعی از گردشگری پایدار را معرفی کنند که رویکردی را در جهت مشارکت جوامع محلی داشته باشد و در نتیجه فرصت‌های بهتری را برای مردم محلی ایجاد کند تا از مزایا و منافع توسعه گردشگری استفاده کنند. نتیجه این تلاش‌ها، معرفی "گردشگری جامعه‌محور یا مبتنی بر جامعه"^۱ بود که اصل اساسی آن فراهم‌سازی زمینه مشارکت جامعه محلی در امر توسعه گردشگری می‌باشد. (Setokoe & Ramukumba, 2020: 15)

به‌طور سنتی، توسعه گردشگری اغلب از بالا به پایین بوده و تصمیمات و منابع توسط نهادهای خارجی مانند سازمان‌های دولتی یا شرکت‌های خصوصی کنترل می‌شود. با این حال، این رویکرد اغلب نیازها و منافع جوامع محلی ساکن در مقاصد گردشگری و اطراف آن را نادیده گرفته است (Simpson, 2021: 275). در نتیجه، بخش گردشگری رویکردهای جدیدی را برای انجام فعالیت‌های مرتبط با گردشگری در پیش گرفت. در حوزه گردشگری، مورفی مفهوم "گردشگری مبتنی بر جامعه" (CBT) را مطرح نموده و پیشنهاد می‌کند که جامعه محلی که در مقصد اقامت دارد باید مسئولیت آن را بر عهده

بگیرد یا حداقل باید فعالانه در برنامه‌ریزی مشارکت داشته باشد (Sitikarn, 2021: 3). گردشگری مبتنی بر جامعه شکلی از گردشگری است که بر مشارکت فعال جوامع محلی در توسعه و مدیریت تأکید می‌کند. هدف آن نیز توانمندسازی جوامع با مشارکت دادن آنها در تصمیم‌گیری، منافع اقتصادی و حفظ منابع اجتماعی و فرهنگی است. در گردشگری مبتنی بر جامعه، گردشگران مستقیماً با ساکنان محلی، فرهنگ و محیط‌زیست آنها درگیر می‌شوند. این رویکرد می‌تواند به ارتقای توسعه جامعه، حفظ میراث فرهنگی و ایجاد فرصت‌های اقتصادی برای مردم محلی منجر شود. در واقع یکی از جنبه‌های کلیدی نقش جامعه محلی در "گردشگری جامعه‌محور" مشارکت آنها در فرآیندهای تصمیم‌گیری است. هنگامی که ساکنان محلی به‌طور فعال در برنامه‌ریزی و مدیریت فعالیت‌های گردشگری شرکت می‌کنند، دانش و دیدگاه‌های آنها در نظر گرفته شده و اطمینان حاصل می‌شود که توسعه گردشگری با نیازها و منافع جامعه همسو است. این رویکرد مشارکتی اصالت و منحصربه‌فرد بودن تجربه گردشگری را افزایش می‌دهد، زیرا ارزش‌ها، سنت‌ها و آرزوهای جامعه محلی شکل می‌گیرد (Sapkota, et.al, 2024: 563). توجه به این نکته لازم است که مشارکت برای برنامه‌ریزی گردشگری امری ضروری می‌باشد (Wanner & probstl, 2019: 7).

مفهوم مشارکت اجتماعی نیز شامل فراهم کردن فرصت‌هایی برای افراد به‌منظور مشارکت فعال در فعالیت‌های مرتبط با توسعه است. این رویکرد بیشتر در جهت توانمند ساختن افراد برای سرمایه‌گذاری بر توانایی‌های خود و اتخاذ نقش اجتماعی فعال‌تر، به‌جای ناظران منفعل است. به‌این‌ترتیب، مشارکت اجتماعی افراد را قادر می‌سازد تا منابع خود را به‌درستی مدیریت کرده و توانایی تصمیم‌گیری را اعمال کنند، در نتیجه کنترل بیشتری بر فعالیت‌هایی اعمال دارند که بر زندگی آنها تأثیر می‌گذارد (Ponna, 2011: 307). به گفته استبان و ماکارنا (۲۰۰۶)، مشارکت جامعه به‌عنوان یک جنبه اساسی از استراتژی‌های توسعه گردشگری عمل می‌کند و نشان‌دهنده یک هدف اصلی در مدیریت پایدار منابع است. (Sapkota et.al, 2024: 565)

نشاط اجتماعی از مؤلفه‌های رفاه اجتماعی به شمار می‌رود و از سال ۲۰۰۰ به بعد در بحث‌های سازمان ملل برای تعیین سطح توسعه‌یافتگی کشورها، متغیرهای نشاط، امید به آینده، مشارکت و رضایتمندی افراد جامعه نیاز به عنوان یک متغیر کلیدی وارد محاسبات شده است؛ متغیرها و عوامل زیادی به میزان نشاط اجتماعی در جامعه مرتبط هستند که از میان آنها، میزان مشارکت اجتماعی، متغیر مهم و تأثیرگذار می‌باشد. لازم به ذکر است که رابطه مشارکت اجتماعی و نشاط اجتماعی یک رابطه یک‌سویه نبوده و نشاط و شادی صرفاً معلول وضعیت فعال در جامعه نیست. این دو متغیر، با یکدیگر رابطه کنش و واکنش دارند (گلابی و اخشی، ۱۳۹۲: ۱۴۴). بنابراین یکی از راه‌های افزایش نشاط اجتماعی در جامعه ایجاد زمینه مشارکت آنها در فعالیت‌های اجتماعی می‌باشد که فعالیت‌های گردشگری می‌تواند بهترین گزینه باشد.

آگاهی از اهمیت مشارکت جامعه در برنامه‌ریزی گردشگری، کشورها به‌خصوص کشورهای در حال توسعه را تشویق کرده است تا توجه خود را به این جنبه از گردشگری معطوف کنند (Cahyadi & Newsome, 2021: 206). مشارکت اجتماعی به عنوان یک ایدئولوژی عمیقاً در باورهای ناشی از نظریه‌های اجتماعی و سیاسی مربوط به روشی که جامعه نیاز به سازمان‌دهی دارد، دیده می‌شود. این امر به اهمیت برقراری ارتباطات و پایداری تعاملات اعتبار می‌بخشد و با انجام این کار، پیوندها و روابط قوی در جامعه ایجاد نموده و بیشتر حس تعلق، اعتماد و اعتبار را در بین اعضای جامعه القا می‌کند (Setokoe et. al., 2019: 7). به‌طور مشابه، این مشارکت مستلزم آن است که افراد محلی با دانش کافی در فرایند برنامه‌ریزی گردشگری مشارکت کرده و در توسعه گردشگری منطقه خود، شرکت کنند. این مهم توسط همپتون نیز تأکید شده است که "مشارکت اجتماعی اجازه می‌دهد نظرات جامعه میزبان شنیده شود و مورد توجه قرار گیرد، در حالی که توسعه کسب و کارهای کوچک محلی نیز برای مشارکت تشویق می‌شوند و می‌توان برای تحقق این امر، مدیران و برنامه ریزان گردشگری را ملزم به ارائه اطلاعات آموزشی و برگزاری کارگاه‌ها و برنامه‌های آگاهی بخشی برای ساکنان محلی، نمود." (Setokoe & Ramukumba,)

14: 2020). طبق گفتگان و وار (۲۰۲۰) "مدیریت و برنامه‌ریزی در گردشگری باید با مشارکت جامعه محلی انجام گیرد". در چنین حالتی دستیابی به اثرات اقتصادی و اجتماعی مثبت و رضایت بازدیدکنندگان حاصل خواهد شد. (Matiku, et.al, 2021: 530)

مشارکت جامعه در برنامه‌ریزی گردشگری برای اولین بار به‌طور رسمی در بیانیه مانیل سازمان جهانی گردشگری مطرح شد. اعلامیه مانیل تأکید می‌کند که رضایت گردشگران نباید به منافع اجتماعی و اقتصادی جوامع محلی آسیب وارد کند و فعالیت‌های گردشگری باید ظرفیت کاری مردم را بهبود بخشد. بنابراین، گفتمان مشارکت جامعه در گردشگری موضوع جدیدی نیست. از نظر تئوری، مشارکت جامعه در برنامه‌ریزی گردشگری حتی می‌تواند تا دهه ۱۹۷۰ که گفتمان توسعه مشارکتی و توانمندسازی ظهور کرد، ترسیم شود. در آن زمان، چندین مدل از مشارکت جامعه در گردشگری پدیدار شد. به‌عنوان مثال، اوکازاکی (۲۰۰۸) بر اساس نظریه سرمایه اجتماعی مدلی شامل هشت سطح مشارکت از دستکاری، درمان، اطلاع‌رسانی، مشاوره، قرار دادن، مشارکت، قدرت تفویض شده و کنترل شهروندی را ارائه داد. نظریه دیگری که برای تدوین مدل مشارکت جامعه در گردشگری استفاده شده است، نظریه همکاری است که ارتباط نزدیکی با روابط قدرت در جامعه دارد (Reindrawati, 2023: 6).

نکته اصلی این است که مشارکت جامعه در صنعت گردشگری یک پایه نظری و رسمی محکم دارد. به عبارتی مطالعات زیادی تأکید بر لزوم اجرای مشارکت اجتماعی در گردشگری داشته‌اند، اما لازم به ذکر است که الگوی مشارکت اجتماعی در ایران، مشارکت اجتماعی غیرفعال است (تولایی و همکاران، ۱۳۹۶: ۹۷). به گونه‌ای که به‌استثنای میزبانان رسمی یا افراد درگیر در فعالیت‌های رسمی گردشگری، جوامع محلی که باید منبع اصلی برای رونق گردشگری در نظر گرفته شوند، هیچ مسئولیت رسمی در جایگاه میزبان ندارند. بنابراین مشارکت جامعه محلی امری مهم و غیرقابل چشم‌پوشی در امر گردشگری است. پس شناسایی موانع حضور و مشارکت جامعه از اولویت خاصی برخوردار می‌باشد. این واقعیت که فرآیند مشارکت، پیچیده است، نیز نشان‌دهنده وجود عوامل بازدارنده‌ای

است که باید شناسایی شده و به آنها پرداخته شود (Zielinski, et. al, 2020: 726). در این راستا محققین مختلف بررسی‌های زیادی در رابطه با عوامل بازدارنده مشارکت جامعه کلی و به‌طور خاص در گردشگری جامعه‌محور، در سطح جهان انجام داده‌اند. باین‌حال، در ایران به این موضوع توجه زیادی نشده است؛ درحالی‌که ایران دارای ظرفیت و پتانسیل غنی برای توسعه گردشگری بالأخص گردشگری جامعه‌محور است. بنابراین شناسایی و رفع موانع و چالش‌های موجود بر سر راه مشارکت اجتماعی در گردشگری از اهمیت بالایی برخوردار بوده و مشارکت جامعه در فرآیند برنامه‌ریزی مکانیسمی را برای کاهش اثرات منفی و ارضای حداقل برخی از نیازهای جامعه ایجاد می‌کند، پس می‌بایست در اولویت بررسی و تمرکز برنامه‌ریزان و مدیران گردشگری قرار گیرد؛ در غیر این صورت پیامدهای منفی عدم مشارکت جامعه محلی بر فرایند توسعه گردشگری کشور تأثیرگذار خواهد بود. انجام مطالعاتی که به این مهم بپردازند از نیازهای خاص صنعت گردشگری ایران بوده و تحقیق حاضر با هدف شناسایی چالش‌های مشارکت جامعه محلی در گردشگری، می‌تواند کمکی درخور توجه به پیشرفت این صنعت در ایران داشته باشد.

در این مقاله ضمن بررسی ادبیات مرتبط با چالش‌ها و عوامل بازدارنده مشارکت در گردشگری و نظرخواهی از خبرگان تحقیق، قصد دارد در ابتدا به شناسایی مهم‌ترین چالش‌های مشارکت جامعه در فرایند توسعه گردشگری کشور بپردازد و در ادامه با ارائه یک ساختار منطقی، راهکارهای علمی به‌منظور برطرف نمودن این چالش‌ها ارائه دهد.

در این راستا هدف اصلی پژوهش حاضر شناسایی چالش‌ها و عوامل بازدارنده مشارکت جامعه محلی در امر توسعه گردشگری جامعه‌محور در ایران و بررسی روابط بین این چالش‌ها می‌باشد. بنابراین پس از شناسایی این چالش‌ها، با به‌کارگیری رویکرد مدل‌سازی ساختاری-تفسیری، چارچوب سطح‌بندی شده‌ای ارائه و سپس به‌منظور بررسی روابط مدل ارائه‌شده از رویکرد معادلات ساختاری و نرم‌افزار Smart-PLS استفاده خواهد شد.

پیشینه پژوهش

طبق بررسی‌های انجام‌شده توسط محقق در منابع مختلف، مطالعات متعددی در خصوص مشارکت در گردشگری انجام‌شده است اما تاکنون پژوهشی در مورد شناسایی موانع و چالش‌های مشارکت اجتماعی در گردشگری جامعه‌محور بالأخص در ایران انجام نشده است. لذا در این بخش مطالعاتی که در حوزه‌های مشابه انجام شده و برای استخراج چالش‌های می‌توان از آنها بهره گرفت، به‌صورت خلاصه بیان خواهند شد.

بلو^۱ در سال ۲۰۲۱ تحقیقی با عنوان "مشارکت جامعه در برنامه‌ریزی گردشگری در حفاظت گاه حیات وحش مالای" با روش تحلیل محتوا، انجام داد. هدف وی انجام این مطالعه ارائه راهکارهایی برای ایجاد زمینه مشارکت جامعه محلی در فرایند برنامه‌ریزی گردشگری، بوده است. او صرفاً به ارزیابی سطح مشارکت جامعه محلی در برنامه‌ریزی گردشگری پرداخت و در فرایند تحقیق به برخی موانع مشارکت نیز اشاره می‌کند. وی عواملی چون: دسترسی محدود به اطلاعات گردشگری و کارشناسان برنامه‌ریزی گردشگری، عدم وجود ساختار تصمیم‌گیری مناسب برای جریان کارآمد و مدیریت ضعیف جوامع محلی، را مطرح می‌کند.

بونوانو و همکارانش^۲ (۲۰۲۲) پژوهشی با عنوان "شهر قدیمی تاکواپا: پتانسیل توسعه منابع مدیریت گردشگری فرهنگی مبتنی بر جامعه" انجام دادند و با بهره‌گیری از رویکرد سوات نقاط قوت و ضعف مشارکت در توسعه گردشگری منطقه را شناسایی کردند. هدف اصلی این مقاله ارائه استراتژی‌هایی به‌منظور توانمندسازی منابع انسانی به‌منظور توسعه گردشگری جامعه‌محور در تاکواپا بود. درنهایت آنها به این نتیجه رسیدند که ضعف مردم محلی در مدیریت گردشگری جامعه‌محور، یکی از موانع اصلی در عدم مشارکت آنهاست.

1. Bello

2. Boonwanno et.al

در سال ۲۰۱۹، لکاوتو^۱، پژوهشی با عنوان "دیدگاه جوامع محلی در مورد نقش گردشگری در توسعه مناطق. مورد مطالعه: آفریقای جنوبی" را انجام داد. وی با رویکرد تحقیق پیمایشی، تحلیلی توصیفی در این زمینه بکار گرفت. در این راستا کمبود بودجه برای آموزش را مهم‌ترین عامل عدم مشارکت جامعه محلی در فرایند توسعه گردشگری منطقه، ذکر کرد. او معتقد بود گردشگری در زمینه ایجاد شغل، توانمندسازی و رشد اقتصادی، هم در صحنه جهانی بسیار موفق است و باید مشارکت جامعه ضروری در نظر گرفته شود. این مطالعه به این نتیجه رسید که بودجه‌ای برای آموزش و پرورش باید از سوی دولت و مناطق حفاظت شده تأمین شود.

نور علیه و همکارانش^۲ در سال ۲۰۱۹، پژوهشی با عنوان "توانمندسازی جوامع بومی از طریق مشارکت در گردشگری" با استفاده از روش تحلیل موضوعی، انجام دادند. هدف آنها شناسایی علت عدم مشارکت جامعه مالزی در فرایند توسعه گردشگری بود. این مطالعه مشارکت مردم بومی مالزی را در سطح فردی و اجتماعی، تجزیه و تحلیل می‌کند و در دو سایت گردشگری مالزی انجام شده است. از طریق مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته با ۱۴ خبره، به این نتیجه رسیدند که توسعه گردشگری برای شرایط اجتماعی و اقتصادی مالزی بسیار راهگشا خواهد بود و باید مقامات در برنامه‌ریزی و مدیریت مکان‌های گردشگری، مشارکت جامعه را مورد توجه قرار دهند.

ریموند رستگار و همکارانش^۳ تحقیقی با عنوان "میراث جهانی و عدالت اجتماعی: بینشی از یزد" در سال ۲۰۲۱ انجام دادند. از تحقیقات شبکه‌نگاری در رسانه‌های اجتماعی همراه با مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته برای بررسی مسائل عدالت اجتماعی در گردشگری استان یزد در ایران، استفاده نمودند. یافته‌ها پیچیدگی مزایا (مانند رفاه بیشتر جامعه) و هزینه‌ها (مانند قیمت‌های بالاتر و افزایش ترافیک) را نشان می‌دهند که به‌طور نابرابر بین

1. Lekaota

2. Mansor et.al

3. Rastegar et.al

ذینفعان گردشگری توزیع شده است. آن‌ها همچنین دریافتند که مشارکت در فرآیندهای تصمیم‌گیری تقریباً وجود ندارد.

در سال ۲۰۲۱ آدیائو و بوچر^۱ تحقیقی با عنوان "محدودیت‌ها و محرک‌های مشارکت و توانمندسازی جامعه در برنامه‌ریزی و توسعه گردشگری در نیجریه" انجام شد. در این زمینه، این مقاله عوامل اساسی را که مشارکت و توانمندسازی جامعه را در تصمیم‌گیری در جنوب غربی نیجریه محدود کرده است، تحلیل می‌کند. همچنین به دنبال شناسایی عواملی است که می‌تواند چنین فرآیندهایی را در توسعه گردشگری به پیش ببرد. این تحقیق یک رویکرد کیفی را برای جمع‌آوری داده‌ها از ذینفعان در بخش گردشگری نیجریه اتخاذ کرد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که سه عامل مشارکت و توانمندسازی جامعه محلی را محدود می‌کند و این عوامل عمدتاً نامشهود هستند و به فرهنگ سیاسی در نیجریه مربوط می‌شوند. این عوامل شامل: آگاهی و آموزش جامعه، مسائل مربوط به اعتماد، شفافیت و مسئولیت‌پذیری هستند، از این رو اعضای جامعه احساس بیگانگی نسبت به این فرآیند را ایجاد می‌کنند. در نهایت این تحقیق پیشنهاد می‌کند که به کمیته‌های گردشگری دولت محلی ظرفیت داده شود تا به مشارکت و توانمندسازی در سطح جامعه محلی کمک کنند.

پژوهشی با عنوان "درک نارضایتی جوامع از مشارکت در گردشگری در مناطق حفاظت‌شده" توسط بیرامه سار و همکارانش^۲ در سال ۲۰۲۰، انجام شد. هدف آنها توضیح تعاملات اجتماعی، تاریخی و فرهنگی جامعه محلی و خوشه‌بندی نگرش آنها به گردشگری در مناطق حفاظت‌شده در کشورهای در حال توسعه است که با استفاده از رویکرد اجتماعی-بازنمایی، به آن پرداخته‌اند. بر اساس شواهد منتشرشده مبنی بر شکست برنامه‌ها و پروژه‌های گردشگری مبتنی بر جامعه که هدف آنها دستیابی به مشارکت و منافع جامعه است، علت این شکست‌ها را عدم توجه به نیازهای جامعه محلی و جاه‌طلبی‌های

1. Adebayo & Butcher
2. Sarr, et.al

سهامداران، اعلام کردند. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که برای دستیابی به توسعه موفقیت‌آمیز گردشگری پایدار، مداخلات گروهی که از گردشگری حمایت می‌کند را باید توانمند نمود تا ابتکارات را رهبری کند، افراد بی‌میل را اغوا کند و آنها را برای دستیابی به توسعه گردشگری عادلانه‌تر که در آن مردم محلی حضوری فعال دارند، امیدوار کند.

کالا و باگری^۱ در سال ۲۰۱۸، موانع مشارکت جامعه محلی در توسعه گردشگری هند را طی تحقیقی با عنوان "موانع مشارکت جامعه محلی در توسعه گردشگری: شواهدی از ایالت کوهستانی اوتاراکنند، هند" بررسی کردند. به عقیده آنها مشارکت جامعه در مقاصدی که از نظر جغرافیایی محروماند با چالش‌های زیادی همراه است. داده‌ها از طریق مصاحبه جمع‌آوری و مورد بررسی موضوعی قرار گرفتند. یافته‌ها چهار مانع کلیدی را نشان می‌دهد که بر مشارکت جامعه در توسعه گردشگری تأثیر می‌گذارد: عملیاتی، اجتماعی-فرهنگی، سردرگم و نهادی. این مطالعه بر نیاز به حمایت بیشتر از مشارکت اجتماعی، هماهنگی بهتر بین مقامات دولتی مرتبط، آموزش و آموزش برای افراد محلی و نیاز به طراحی استراتژی‌های خاصی که می‌تواند مشارکت محلی را تشویق کند، تأکید می‌کند.

در سال ۲۰۲۰، نگوئین و همکارانش^۲ به مطالعه "مشارکت و همکاری ذینفعان گردشگری قومی در برنامه‌ریزی گردشگری در اسپاها، ویتنام" پرداختند. هدف این مقاله با بررسی مشارکت و همکاری ذینفعان قومی و در برنامه‌ریزی گردشگری در اسپاهای ویتنام است. آن‌ها با مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته از ۳۳ ذینفع کلیدی گردشگری و با استفاده از تحلیل محتوای کیفی داده‌ها به این نتیجه رسیدند که برنامه‌ریزی گردشگری به‌عنوان یک رویکرد از بالا به پایین در نظر گرفته می‌شود و سطح مشارکت جامعه بسیار محدود است. از نظر محققین عواملی چون حاکمیت و سیاست، فرهنگ محلی و توزیع نابرابر مزایا و هزینه‌های گردشگری موانع مشارکت هستند.

1. Kala & Bagri
2. Nguyen, et.al

آلیس وانر و اولریکه پروبستل^۱ (۲۰۱۹)، مقاله‌ای با عنوان "موانع مشارکت ذینفعان در توسعه پایدار گردشگری روستایی - تجربیات اروپای جنوب شرقی پایداری" ارائه کردند. آن‌ها با به‌کارگیری رویکرد کیفی و بررسی اسناد و گزارش‌های موجود، تجربیاتی از اروپای جنوب شرقی، مشارکت ذینفعان را با موانع زیادی مواجه دیدند. در این مطالعه موانع مشارکت سهامداران در هشت منطقه روستایی بررسی شده است. نتایج حاکی از آن است که می‌توان توجه ویژه‌ای به موانع اجتماعی، به‌ویژه در مورد درک پایداری و تضاد منافع، داشت. اثرات این موانع در فرآیند برنامه‌ریزی در مقایسه آگاهی از اهداف کلی، شاخص‌ها و خودارزیابی‌های منطقه‌ای مشاهده شد. پیامدهای برنامه‌ریزی و مدیریت در مناطق گردشگری روستایی نشان می‌دهد که درک پایداری بسیار متفاوت است.

در سال ۲۰۲۳، دیان یولی ریندراواتی^۲، مطالعه‌ای با عنوان "چالش‌های مشارکت جامعه در برنامه‌ریزی گردشگری در کشورهای درحال توسعه"، را با هدف تعیین چالش‌های مشارکت گردشگری در کشورهای درحال توسعه، موردبررسی و تحلیل قرار داد. این تحقیق با استفاده از مطالعه سیستماتیک ادبیات بر روی مقالات علمی نمایه شده توسط اسکوپوس از سال ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۲ با موضوع مشارکت جامعه در برنامه‌ریزی گردشگری انجام شد. یافته‌ها نشان می‌دهد که محدودیت‌های مشارکت شامل عدم دسترسی به اطلاعات، فقدان دانش، توسعه ضعیف جامعه، کمبود بودجه، کمبود آموزش و تضاد منافع است. دولت‌ها و اپراتورهای گردشگری پایدار باید به این مسائل بپردازند تا مشارکت گسترده‌تر جامعه در گردشگری را تشویق کنند.

پژوهشی با هدف ارزیابی و تشریح مشکلات و پتانسیل برای تسریع توسعه گردشگری مبتنی بر جامعه (CBT) در اندونزی با عنوان "چالش‌ها و فرصت‌ها برای توسعه گردشگری جامعه‌محور در اندونزی" انجام شد. احسانی و همکارانش^۳ بیان کردند که نیازهای انسان، نوآوری‌های زیادی را برای افزایش درآمد، به‌ویژه در بهبود بخش

1. Wanner & Pröbstl-Haider
2. Reindrawati
3. Ahsani, et.al.

گردشگری با مشارکت جامعه در توسعه آن، تحریک می‌کند. این بدان معناست که با وجود درگیری‌های داخلی و خارجی و مسائل تبلیغاتی، فرصت‌های بخش گردشگری هنوز فرصت قابل‌توجهی برای بهبود و گسترش در آینده دارد. مطالعه آنها نشان می‌دهد درحالی‌که بیشتر بخش‌ها به‌طور عادی کار می‌کنند، برخی از مقاصد با مشکلاتی روبرو هستند. مسائل مربوط به حکمرانی، مدیریت، ساختار بوروکراتیک، همکاری و ارتقاء جزئی از مشکلات مشارکت شناسایی شدند.

ستوکوه و راموکومبا^۱ در سال ۲۰۲۰، "چالش‌های مشارکت جامعه در گردشگری جامعه‌محور در مناطق روستایی آفریقای جنوبی" را بررسی کردند. این مطالعه از رویکرد تحقیق کیفی همراه با بررسی اکتشافی عمیق مشارکت جامعه در توسعه مناطق روستایی از طریق گردشگری استفاده کرد. هدف آنها شناسایی مانع مشارکت روستاییان بود. نتایج نشان می‌دهد که اعضای جامعه احساس می‌کردند که مشارکت آنها در صنعت گردشگری به دلیل عوامل متعددی همچون: نخبه‌گرایی، جناح‌بندی، طمع و فساد، تضاد رهبری، زبان و فقدان ظرفیت برای مشارکت در طرح‌های توسعه، فقدان حمایت دولت و کمبود بودجه، به چالش کشیده شده است.

اخیراً ساپکوتا و همکارانش^۲ (۲۰۲۴) مقاله‌ای با عنوان "نقش جامعه محلی در تقویت گردشگری مبتنی بر جامعه پایدار"، موردبررسی قرار گرفته است. محققین این مقاله، مطالعات، کتب و گزارش‌های مرتبط را که بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۲ به زبان انگلیسی منتشر شده بودند، با تمرکز بر نقش جامعه محلی در تقویت گردشگری مبتنی بر جامعه پایدار بررسی کرد. این جستجو در پایگاه‌های اطلاعاتی مهمی مانند Google Scholar، Tandfonline و ScienceDirect انجام شد که در مجموع ۹۶۵ مقاله منتشر شد. پس از حذف موارد تکراری، تنها ۳۰ مقاله از ۱۵۲ مقاله کامل شرایط لازم را داشتند. این بررسی کامل و سیستماتیک نتیجه می‌گیرد که مشارکت فعال جامعه محلی در فرآیندهای

1. Setokoe & Ramukumba
2. Sapkota, et.al.

تصمیم‌گیری تأثیر مثبتی بر «گردشگری مبتنی بر جامعه» پایدار دارد. یافته‌ها نشان می‌دهد که جامعه محلی به‌عنوان یک سهامدار کلیدی در فرآیندهای تصمیم‌گیری عمل می‌کند و تضمین می‌کند که توسعه گردشگری با ارزش‌ها و آرمان‌های جامعه باید همسو باشد.

در سال ۱۳۹۴، تولایی و همکارانش در خصوص "نقش مشارکت جوامع محلی در صنعت گردشگری پایدار. مورد مطالعه: سرعین"، مطالعه‌ای انجام دادند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد سازوکار صنعت گردشگری در سرعین به گونه‌ای است که بیشتر ساکنان بومی در آن نقشی ندارند و مشارکتی عینی در فعالیتهای گردشگری ندارند. با این همه، پتانسیل مشارکتی در آن به‌منظور دستیابی به توسعه پایدار گردشگری به ترتیب اولویت از طریق ملاحظات اجتماعی-فرهنگی، اقتصادی و زیست‌محیطی گردشگری قابل حصول است. آن‌ها دریافتند مشارکت اقتصادی در درجه اول و مشارکت زیست‌محیطی در درجه دوم از طریق تأثیرگذاری بر مشارکت اجتماعی-فرهنگی ساکنان، زمینه توسعه پایدار گردشگری را در سرعین فراهم می‌سازند.

زرنریان و همکارانش به "طراحی چارچوب مشارکت عمومی-خصوصی در گردشگری، بر مبنای فرا ترکیب مطالعات پیشین" پرداختند. هدف این تحقیق یکپارچه‌سازی تفاسیر یافته‌های پیشین با رویکرد فرا ترکیب است. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که می‌توان عوامل مؤثر بر مشارکت عمومی-خصوصی در گردشگری را در قالب دو مقوله اصلی عوامل درونی و عوامل بیرونی مدنظر قرار داد. عوامل درونی با مشارکت عمومی-خصوصی ارتباط مستقیم دارند و دربردارنده مفاهیمی همچون محتوای مشارکت، ذینفعان، اهداف، وظایف و منافع طرفین‌اند. عوامل بیرونی دخالت مستقیم ندارند و در کنترل این شکل از مشارکت نیستند. عوامل بیرونی عوامل فناورانه اطلاعاتی، اجتماعی فرهنگی، قانونی حقوقی، مالی اقتصادی، محیطی و سیاسی دولتی را در برمی‌گیرند.

در سال ۱۳۹۸، اسماعیلی زاده، تبریزی و رمضان زاده، مقاله‌ای با عنوان "سنجش رفتار مشارکتی جامعه محلی در توسعه گردشگری کشاورزی (مطالعه موردی شهر سیسخت)" و با هدف بررسی رفتار مشارکتی جامعه محلی در توسعه گردشگری

کشاورزی، را ارائه دادند. روش تحقیق از نوع توصیفی-تحلیلی و روش نمونه‌گیری تصادفی ساده و ابزار گردآوری اطلاعات، پرسشنامه بود. در بین متغیرهای شناسایی شده متغیر تمایل به مشارکت منجر به رفتار، بالاترین و سایر متغیرها (آگاهی، انگیزه و ویژگی اقتصادی) به ترتیب در رتبه‌های بعدی قرار گرفتند.

بررسی نقادانه پیشینه تحقیق

همان‌طور که در مطالب بالا مشخص شد، تحقیقات مختلفی در جهان به بررسی موضوع «مشارکت جامعه» در صنعت گردشگری پرداخته‌اند، که نشانی از اهمیت این موضوع است؛ در پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه موضوعی "مشارکت اجتماعی" طی سال‌های اخیر در سطح جهان، تمایل فراوانی به بررسی "دیدگاه جامعه محلی به توسعه گردشگری"، "توانمندسازی" و "بررسی پتانسیل‌های جامعه محلی" (Boonwananno et.al, 2022,)، (Lekaota, 2019, Mansor et.al, 2019, Rastegar et.al, 2021, Sarr, et.al, 2020)، دیده می‌شود که بررسی چالش‌ها و موانع مشارکت تا حدودی و به‌صورت جزئی در طی فرایند تحقیق و یا در بخش نتایج و پیشنهادها مطالعات موجود، مورد توجه قرار گرفته است. در برخی از این تحقیقات موضوع چالش و موانع مشارکت، موضوع اصلی بوده و برخی دیگر در پی بررسی و تحلیل داده‌ها، چالش‌ها و موانع خودنمایی می‌کنند. به‌عنوان مثال در پژوهش بونواو و همکارانش (۲۰۲۲) هدف اصلی بررسی پتانسیل‌های توسعه منابع انسانی در گردشگری جامعه محلی است که در طی فرایند تحقیق، وجود چالش‌های مشارکت اجتماعی به‌عنوان تهدیدی برای توسعه گردشگری، مشخص می‌شود. همچنین لکاوتو (۲۰۱۹) در مقاله خود، به دنبال بررسی دیدگاه جامعه محلی در مورد توسعه گردشگری بود و عدم وجود شرایط کافی برای مشارکت جامعه محلی، به‌عنوان موضوع فرعی مورد توجه قرار گرفته است.

محققانی همچون آدیائو و بوچر (۲۰۲۱)، که به‌طور مشخص به دنبال تعیین محدودیت‌های مشارکت اجتماعی در گردشگری بوده‌اند نیز با دیدگاهی بخشی به این

موضوع پرداخته‌اند و اثرات منفی عدم مشارکت را برجسته نموده‌اند. سار و همکارانش (۲۰۲۰) در طی بررسی نارضایتی جامعه محلی از عدم مشارکت در توسعه گردشگری به دنبال تعیین علت این نارضایتی بوده و دلیل آن را جاه‌طلبی ذینفعان اعلام کردند.

مطالعاتی که توسط کالا و باگری (۲۰۱۸)؛ نگوئین و همکارانش (۲۰۲۰)؛ ریندراواتی (۲۰۲۳) و ستوکوتنه و راموکومبا (۲۰۲۰) و ... انجام شده است و آن‌ها مشخصاً بر تعیین چالش‌های مشارکت در گردشگری تمرکز داشته‌اند، نیز دیدگاهی جزءنگر نسبت به این موضوع دارند و به صورت جامع به شناسایی چالش‌ها و موانع مشارکت جامعه نپرداخته‌اند. موارد فوق‌الذکر را می‌توان خلأ و شکافی در حوزه موضوعی "مشارکت اجتماعی در گردشگری" دانست که مقاله حاضر سعی در رفع این موارد دارد.

همان‌گونه که مشاهده شد طی چند سال اخیر توجه به مبحث مشارکت در گردشگری ایران نادیده گرفته شده است و مطالعات محدودی که در این حوزه انجام شده است متعلق به بیش از ۵ سال اخیر می‌باشد؛ در صورتی که مبحث مشارکت اجتماعی در گردشگری از جمله موارد چالشی در ایران است. به عبارتی باید اذعان داشت که تاکنون مطالعه و بررسی که به صورت جامع و دقیق چالش‌های مشارکت را تعیین و بومی‌سازی نموده باشد، منتشر نشده است. گذشته از این که طی چند سال اخیر، توجه به مباحث مشارکت اجتماعی و گردشگری جامعه‌محور در کانون توجه محققین ایرانی نبوده و مطالعاتی درخور در این حوزه موضوعی، انجام نشده است.

مطالعات انجام‌شده هیچ‌کدام به اهمیت مالکیت جامعه محلی و حق مسلم ساکنین مقصد در زمینه مشارکت و همکاری در فرایند توسعه گردشگری، صراحتاً توجه ننموده‌اند، اما تحقیق حاضر با علم به این حق اجتماعی در پی شناسایی موانع برآمده تا مرتفع ساختن آنها توسط متولیان صنعت، با سهولت صورت گیرد.

خلأ دیگر در تحقیقاتی که تاکنون انجام شده‌اند، عدم توجه آنها به ماهیت موضوع مشارکت است؛ در واقع مشارکت در گردشگری ماهیتی اجتماعی داشته و در مسیر آسیب‌شناسی آن و یا ارائه راهکارهایی به منظور افزایش مشارکت اجتماعی، باید شرایط و

اقتضائات فرهنگی-اجتماعی منطقه موردبررسی را در نظر گرفت و در تحلیل‌ها اعمال نمود و توجه به این نکته بسیار حائز اهمیت است که تحقیقاتی که در یک جامعه مشخص انجام شده است به علت تفاوت‌های فرهنگی و مسائل اجتماعی، قابل تعمیم به سایر جوامع نیستند؛ در مقاله پیشرو این مهم موردتوجه قرار گرفته و چالش‌ها با اعمال نظر خبرگان، بومی‌سازی شده‌اند.

همچنین از دیگر شکاف‌های نظری که در خصوص مطالعات انجام شده می‌توان به آن اشاره نمود، عدم توجه آنها به نتایجی است که با مشارکت دادن جامعه محلی در فرایند توسعه گردشگری، می‌تواند به همراه داشته باشد. در این تحقیق به افزایش نشاط اجتماعی و رفاه اجتماعی در پی شناسایی و رفع موانع و چالش‌های مشارکت اجتماعی، تمرکز دارد. بنابراین با آگاهی از اینکه مشارکت اجتماعی در توسعه گردشگری از مباحث اساسی و پایه‌ای می‌باشد و با توجه به خلأ نظری موجود هم در مطالعات خارجی و هم تحقیقات داخلی، پژوهش حاضر با هدف کاهش شکاف نظری موجود، با دیدگاهی جامع به شناسایی و بومی‌سازی چالش‌ها، متناسب با شرایط اجتماعی ایران و ارائه مدلی سطح‌بندی شده در این حوزه موضوعی پرداخته است.

در این تحقیق ما به دنبال الگوسازی برای این جریان هستیم. برای این منظور و کاهش خلأ نظری موجود در خصوص موضوع تحقیق و بر مبنای بررسی همه‌جانبه مطالعات مشابه، می‌توان مجموعه‌ای از چالش‌ها را در قالب الگوی مفهومی شکل ۱ ارائه نمود:

پژوهش حاضر، به دنبال دسته‌بندی و جمع‌بندی مناسب چالش‌های شناسایی شده از پژوهش‌های گوناگون و ساخت الگویی مفهومی، متناسب با شرایط و مقتضیات گردشگری جامعه‌محور در ایران بر اساس نظرات خبرگان، است و سپس این الگو مورد برازش قرار خواهد گرفت. بنابراین در ادامه این تحقیق، چالش‌هایی که شناسایی شده، نهایی و تعدیل خواهند شد و در نهایت با رویکرد الگوسازی ساختاری-تفسیری، سطوح و

روابط تأثیرگذار و تأثیرپذیر چالش‌های نهایی مشخص و با استفاده از روش کمینه مربعات جزئی و نرم‌افزار Smart-PLS، الگوی تحقیق سنجش و آزمون خواهد شد.



شکل ۱- مدل مفهومی تحقیق (منبع: پیشنهاد تحقیق، گردآوری‌شده توسط محقق)

روش

پژوهش حاضر از حیث هدف در دسته پژوهش‌های کاربردی قرار می‌گیرد زیرا در این پژوهش، توسعه دانش کاربردی و کاربرد عملی آن بخش گردشگری مدنظر است. محقق در بازه زمانی ۳ ماهه (فروردین ۱۴۰۳ الی خرداد ۱۴۰۳) به جمع‌آوری داده‌ها و تحلیل آنها پرداخته است. در این پژوهش ابتدا با استفاده از مطالعه ادبیات و پیشنهاد پژوهش چالش‌های مشارکت شناسایی گردید. در ادامه با استفاده از تکنیک مدل‌سازی ساختاری تفسیری^۱

1. Interpretive Structural Modeling (ISM)

اقدام به طراحی مدل ارتباطی میان چالش‌های شناسایی شده گردید. بدین منظور پرسشنامه مقایسه زوجی میان چالش‌های شناسایی شده از ادبیات پژوهش، در اختیار خبرگان صنعت گردشگری قرار گرفت. تعداد خبرگان در پر کردن پرسشنامه مقایسات زوجی تکنیک مدل‌سازی ساختاری تفسیری بین ۸ تا ۱۵ خبره کفایت می‌کند (Shoar & Chileshe, 2021: 11). بر همین اساس در این بخش از پژوهش به‌منظور پر کردن پرسشنامه از نظر ۲۹ تن از خبرگان آشنا به موضوع پژوهش که در این زمینه کار پژوهشی داشته و دارای سابقه کاری مرتبط بیش از ۵ سال داشته‌اند، خواسته شد تا به سؤالات پرسشنامه پاسخ دهد. ابزار استفاده‌شده در این مرحله، پرسشنامه‌ای است که به‌صورت مقایسات زوجی، از خبرگان خواسته‌شده است تا با مقایسه دوبه‌دو عوامل، رابطه آن‌ها (عدم وجود رابطه، وجود رابطه یک‌طرفه، وجود رابطه متقابل) را مشخص کنند. مراحل انجام تکنیک ISM به‌صورت زیر شرح داده‌شده است (Wankhede & Vinodh, 2021: 1599).

الف) تشکیل ماتریس خود تعاملی ساختاری^۱: رابطه میان چالش‌های استقرار بلاک‌چین در صنعت گردشگری از این طریق این ماتریس به دست می‌آید. برای به دست آوردن این ماتریس از روابط زیر استفاده می‌شود. در این ماتریس از خبره خواسته می‌شود تا با استفاده از یکی از نمادهای زیر، نوع ارتباط میان چالش‌ها را مورد ارزیابی قرار دهد.

$V: i$ منجر به j می‌شود $A: j$ منجر به i می‌شود

X : برای نشان دادن تأثیر دوطرفه بین i و j : O : برای نشان دادن عدم تأثیر بین i و j

ب) ایجاد ماتریس دستیابی اولیه^۲: این ماتریس بر مبنای ماتریس خود تعاملی و با توجه به نوع ارتباط مشخص شده توسط خبره به شرح زیر تشکیل می‌گردد.

اگر خانه ارتباطی میان i و j در ماتریس خود تعاملی نماد V گرفته است، آنگاه خانه مربوطه در ماتریس دستیابی عدد ۱ می‌گیرد و خانه قرینه آن، یعنی خانه j به i عدد صفر می‌گیرد.

-
1. Structural Self-Interaction Matrix
 2. Initial Reachability Matrix

اگر خانه ارتباطی میان i و j در ماتریس خود تعاملی نماد A گرفته است، خانه مربوطه در ماتریس دستیابی عدد صفر می‌گیرد و خانه قرینه آن، یعنی خانه j به i عدد ۱ می‌گیرد. اگر خانه ارتباطی میان i و j در ماتریس خود تعاملی نماد X گرفته است، خانه مربوطه در ماتریس دستیابی عدد ۱ می‌گیرد و خانه قرینه آن، یعنی خانه j به i هم عدد ۱ می‌گیرد. اگر خانه ارتباطی میان i و j در ماتریس خود تعاملی نماد O گرفته است، خانه مربوط در ماتریس دستیابی عدد صفر می‌گیرد و خانه قرینه آن، یعنی خانه j به i هم عدد صفر می‌گیرد.

ج) تشکیل ماتریس دستیابی نهایی^۱: با در نظر گرفتن رابطه تعاملی بین عناصر لازم است، ماتریس دستیابی اولیه سازگار می‌گردد. بدین منظور باید ماتریس اولیه را به توان $k+1$ رساند؛ به‌طوری‌که حالت پایدار برقرار شود، بدین ترتیب برخی عناصر صفر تبدیل به ۱ خواهد شد که به‌صورت 1^* نشان داده می‌شود.

د) تعیین سطح شاخص‌ها: پس از تعیین مجموعه قابل دستیابی^۲ و مجموعه مقدم^۳ برای هر عنصر و تعیین مجموعه مشترک، سطح‌بندی متغیرها انجام می‌شود. مجموعه قابل دستیابی برای هر عنصر، مجموعه‌ای است که در آن سطرها ماتریس دستیابی نهایی به‌صورت یک ظاهر شده باشند و مجموعه مقدم، مجموعه‌ای است که در آن ستون‌ها به‌صورت یک ظاهر شده باشند. با به دست آوردن اشتراک این دو مجموعه، مجموعه مشترک^۴ به دست می‌آید. عناصری که مجموعه مشترک با مجموعه قابل دستیابی یکسان باشد، سطح اول اولویت را به خود اختصاص می‌دهند. با حذف این عناصر و تکرار این مرحله برای سایر عناصر، سطح کلیه عناصر تعیین می‌شود.

ه) ترسیم مدل ساختاری تفسیری: بر اساس سطوح تعیین شده و ماتریس دستیابی نهایی، مدل تحقیق ترسیم می‌شود.

-
1. Final Reachability Matrix
 2. Reachability Set
 3. Antecedent Set
 4. Intersection Set

باید خاطرنشان کرد از آنجا که در این تحقیق برای پر کردن پرسشنامه‌ها از نظر ۲۹ نفر از خبرگان استفاده شده است، برای تشکیل ماتریس خود تعاملی از روش مُد بر اساس بیشترین فراوانی در هر درایه استفاده می‌شود.

به منظور برازش مدل مفهومی شکل گرفته بر اساس تکنیک مدل‌سازی ساختاری تفسیری، از نرم‌افزار Smart PLS3 استفاده گردید. بدین منظور پرسشنامه‌ای دارای ۱۹ سؤال بر اساس پیشینه پژوهش طراحی گردید و در اختیار صاحب‌نظران گردشگری قرار گرفت. هدف در این بخش تشکیل مجموعه‌ای از افراد متخصص در زمینه گردشگری بود که بتوانند به پیشبرد اهداف پژوهش کمک نمایند. با توجه به استفاده از رویکرد مدل‌سازی معادلات ساختاری، حجم نمونه لازم در این پژوهش از رابطه $n > 15q$ که در فرمول فوق q تعداد سؤالات پرسش‌نامه و n اندازه نمونه می‌باشد، به دست آمده است (Wankhede & Vinodh, 2021: 1599). با توجه به تعداد ۱۸ سؤال طراحی شده، ۱۵۰ پرسشنامه توزیع که از این میان تعداد ۱۱۴ پرسشنامه بازگشت داده شد. با توجه به وجود دو پرسشنامه در این پژوهش، روش نمونه‌گیری در توزیع پرسشنامه مقایسات زوجی، گلوله برفی و روش نمونه‌گیری در بخش مرتبط با توزیع پرسشنامه طراحی شده برای عوامل اثرگذار، روش نمونه‌گیری در دسترس بوده است. در این رویکرد به منظور برازش مدل مفهومی پژوهش، سه سطح مدل اندازه‌گیری که نشان‌دهنده بررسی ارتباط میان سؤالات و متغیرهای پژوهش (تعیین روایی و پایایی)، مدل ساختاری که نشان‌دهنده ارتباط میان متغیرها با یکدیگر و برازش کلی مدل که نشان‌دهنده ارزیابی کلی از مدل ارائه شده می‌باشد، مورد ارزیابی قرار گرفته است. به منظور بررسی روایی در این پژوهش از ابزار روایی همگرا^۱ استفاده شده است. روایی همگرا نشان‌دهنده همبستگی سؤالات مرتبط با یک متغیر با همان متغیر است که با استفاده از دو معیار ضرایب بار عاملی^۲ و میانگین واریانس به اشتراک^۳ گذاشته مورد سنجش قرار گرفته است. حد قابل قبول برای این دو معیار به

-
1. Convergent validity
 2. Outer Loadings
 3. Average Variance Extracted (AVE)

ترتیب ۰/۴ و ۰/۵ در نظر گرفته شده است (Hair, et.al, 2021: 182). به منظور سنجش پایایی از معیارهای آلفای کرونباخ^۱ و پایایی ترکیبی^۲ استفاده شده است. آلفای کرونباخ نشانگر میزان همبستگی یک سازه و شاخص‌های مربوط به آن است که حد قابل قبول برای این معیار مقدار ۰/۷ می‌باشد. همچنین معیار پایایی ترکیبی، پایایی سازه‌ها را نه به صورت مطلق بلکه با توجه به همبستگی سازه‌هایشان با یکدیگر محاسبه می‌کند. در صورتی که مقدار پایایی ترکیبی برای هر سازه بالاتر از ۰/۷ باشد نشان از برازش مناسب پایایی مدل دارد (Kineber et al., 2021: 145).

به منظور برازش مدل ساختاری از معیارهای Q_2 و R_2 و F_2 پژوهش اقدام گردیده است. معیار Q_2 که برای سازه‌های درون‌زا استفاده می‌شود، قدرت پیش‌بینی مدل را مشخص می‌سازد. مدل‌هایی که دارای برازش بخش ساختاری قابل قبول هستند، باید قابلیت پیش‌بینی شاخص‌های مربوط به سازه‌های درون‌زای مدل را داشته باشند. در مورد شدت قدرت پیش‌بینی مدل در مورد سازه‌های درون‌زا سه مقدار ۰/۰۲، ۰/۱۵ و ۰/۳۵ تعیین گردیده است. معیار R_2 نیز همانند معیار Q_2 تنها برای سازه‌های درون‌زای (وابسته) مدل محاسبه می‌گردد و در مورد سازه‌های برون‌زا (مستقل) مقدار این معیار صفر است. سه مقدار ۰/۱۹، ۰/۳۳ و ۰/۶۷ به عنوان ملاک برای مقادیر ضعیف، متوسط و قوی R_2 معرفی شده است و هر چه مقدار R_2 مربوط به سازه‌های درون‌زای یک مدل بیشتر باشد، نشان از برازش بهتر مدل است. معیار F_2 شدت تأثیر را مورد سنجش قرار می‌دهد. مقدار این متغیر بین صفرتا یک است. سه مقدار ۰/۰۲، ۰/۱۵ و ۰/۳۵ به ترتیب نشان‌دهنده اندازه تأثیر کوچک، متوسط و بزرگ است (Lin & Powell, 2021: 289).

برازش کلی مدل با شاخص SRMR مورد سنجش قرار گرفته است. این شاخص بین صفرتا یک تغییر می‌کند و هر قدر که کوچک‌تر باشد بیانگر برازش بیشتر کل مدل است. به عبارت دیگر هر قدر که بارهای عاملی و ضرایب رگرسیونی مدل، در سطح بالاتری باشند،

1. Cronbach's Alpha

2. Composite Reliability (CR)

چالش‌های مشارکت اجتماعی در جریان توسعه گردشگری...، میرفخرالدینی | ۱۰۵

این شاخص به صفر نزدیک‌تر خواهد شد. خط برش این شاخص هشت درصد است. به عبارت دیگر چنانچه SRMR یک مدل ۸ درصد یا کمتر باشد بیانگر برازش کلی بالای مدل است و هر قدر که بیشتر از ۸ درصد باشد بیانگر برازش کمتر مدل است (Mai et al., 2021: 128).

یافته‌ها

در این پژوهش، ابتدا با مطالعه پیشینه پژوهش چالش‌های مشارکت اجتماعی در گردشگری جامعه‌محور شناسایی شدند. به علت تعداد زیاد و گهگاه همپوشانی موارد شناسایی شده، چالش‌ها به منظور تعدیل، تأیید و بومی‌سازی متناسب با شرایط و اقتضائات اجتماعی ایران، در اختیار خبرگان تحقیق قرار گرفت. در نهایت از ۲۳ چالش، ۱۲ مورد نهایی و طبق پیشنهاد خبرگان در ۳ دسته کلی، طبقه‌بندی شدند. این چالش‌ها در جدول ۱، نشان داده شده است.

جدول ۱- چالش‌های نهایی مشارکت اجتماعی در گردشگری جامعه‌محور در ایران

دسته چالش‌ها	چالش	کد	منبع
چالش اجتماعی	عدم آگاهی جامعه	C ₁	Adebayo & Butcher, 2021 Wanner & Pröbstl-Haider, 2019
	بی‌اعتمادی	C ₂	Adebayo & Butcher, 2021
	نخبه‌گرایی	C ₃	Setokoe & Ramukumba, 2020
	توزیع نابرابر هزینه‌ها و منافع	C ₄	Nguyen, Diane & Newsome, 2020
	تضاد منافع	C ₅	Wanner & Pröbstl-Haider, 2019
چالش‌های بنیادی	سیاست‌های نامناسب	S ₁	Nguyen, Diane & Newsome, 2020
	جناح‌بندی	S ₂	Setokoe & Ramukumba, 2020

دسته چالش‌ها	چالش	کد	منبع
	آموزش نامناسب	S ₃	Rastegar, Zarezadeh, & Gretzel, 2021 Adebayo & Butcher, 2021
	کمبود بودجه	S ₄	Lekaota, 2019
چالش‌های اجرایی	عدم شفافیت و پاسخگویی	O ₁	Adebayo & Butcher, 2021
	فقدان ساختار تصمیم‌گیری کارآمد	O ₂	Bello, 2021
	محدودیت دسترسی به اطلاعات	O ₃	Rastegar, Zarezadeh, & Gretzel, 2021

به منظور کشف ارتباط بین چالش‌های شناسایی شده در جدول ۱، پرسشنامه مقایسات زوجی در اختیار خبرگان قرار گرفت. جدول ۲، ماتریس خودتعاملی ساختاری را نشان می‌دهد که مد گرفته شده از نظرات تمامی خبرگان است.

جدول ۲. ماتریس خودتعاملی ساختاری

عوامل	چالش‌های مشارکت جامعه	چالش‌های اجتماعی	چالش‌های بنیادی	چالش‌های اجرایی
چالش‌های مشارکت جامعه		A	A	A
چالش‌های اجتماعی			A	X
چالش‌های بنیادی				V
چالش‌های اجرایی				

چالش‌های مشارکت اجتماعی در جریان توسعه گردشگری...، میرفخرالدینی | ۱۰۷

سپس با استفاده از پرسشنامه مقایسه زوجی و تشکیل ماتریس خود تعاملی بر مبنای بیشترین فراوانی، ماتریس دستیابی اولیه تشکیل شد و جدول دستیابی نهایی حاصل شد که داده‌ها در جدول (۳) نمایش داده شده است.

جدول ۳- ماتریس دسترسی نهایی

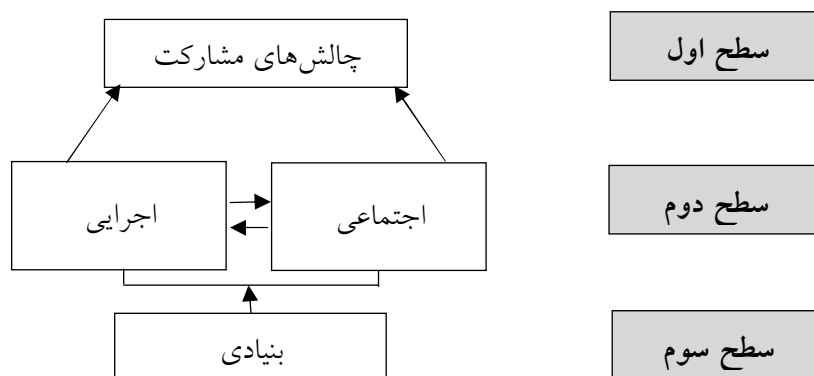
$i \setminus j$	چالش‌های مشارکت	اجتماعی	بنیادی	اجرایی	میزان وابستگی
چالش‌های مشارکت جامعه	۱	۰	۰	۰	۱
اجتماعی	۱	۱	۰	۱	۳
بنیادی	۱*	۱	۱	۱	۴
اجرایی	۱	۱	۰	۱	۴
میزان وابستگی	۴	۳	۲	۳	

برای تعیین سطوح ابعاد مطابق با آنچه در روش تحقیق بیان شد نیاز به شناسایی مجموعه‌های دستیابی، مقدم و مشترک است که در جدول ۴ مشخص گردید.

جدول ۴- تعیین سطوح چالش‌های مشارکت اجتماعی در گردشگری جامعه‌محور در ایران

عوامل	مجموعه دستیابی	مجموعه مقدم	مجموعه مشترک	سطح
چالش‌های مشارکت جامعه	۱	۱،۲،۳،۴	۱	اول
اجتماعی	۱،۲،۴	۲،۳،۴	۲،۴	دوم
بنیادی	۱،۲،۳،۴	۳	۳،۴	سوم
اجرایی	۱،۲،۳،۴	۲،۳،۴	۲،۳،۴	دوم

با توجه به جدول ۴، بر اساس مراحل گفته شده در قسمت روش‌ها، ترسیم مدل ساختاری تفسیری به صورت شکل ۲ صورت پذیرفته است.



شکل ۲- مدل اولیه تحقیق حاصل از ISM

با توجه به شکل ۲، مدل اولیه چالش‌های مشارکت اجتماعی در گردشگری جامعه‌محور ایران ساخته شده است. که از این مدل ۶ فرضیه زیر قابل استنباط است:

H₁: چالش‌های بنیادی به‌طور مثبت بر چالش‌های اجتماعی تأثیر می‌گذارد.

H₂: چالش‌های بنیادی به‌طور مثبت بر چالش‌های اجرایی تأثیر مثبت دارد.

H₃: چالش‌های اجتماعی بر چالش‌های اجرایی تأثیر گذار است.

H₄: چالش‌های اجرایی بر چالش‌های اجتماعی تأثیر مثبت می‌گذارد.

H₅: چالش‌های اجتماعی تأثیر مثبتی و مستقیمی بر چالش‌های مشارکت جامعه دارد.

H₆: چالش‌های اجرایی تأثیر مثبتی و مستقیمی بر چالش‌های مشارکت جامعه دارد.

در ادامه به برازش مدل و بررسی فرضیه‌های حاصله از مدل اولیه، از طریق ابزار معادلات ساختاری و پرسشنامه ۱۸ سؤالی، خواهیم پرداخت. جدول ۵ مقادیر روایی و پایایی به‌دست‌آمده برای هر یک از ابعاد مدل را نشان می‌دهد.

جدول ۵- مقادیر پایایی و روایی

متغیرهای درون‌زا	R ²	Q ²
اجتماعی	۰/۶۸۸	۰/۴۵۷
بنیادی	۰/۶۵۵	۰/۴۱۶
اجرایی	۰/۶۸۴	۰/۳۹۹

با توجه به مقادیر به‌دست‌آمده در جدول ۵ و با توجه به توضیحات ارائه‌شده در بخش روش‌شناسی پژوهش، پایایی و روایی پرسشنامه پژوهش مورد تأیید قرار گرفته است. بر اساس جدول ۵ در این بخش به برازش مدل ساختاری و مقادیر R^2 و Q^2 برای متغیرهای وابسته مدل پژوهش و مقادیر برای تمامی متغیرها اقدام گردیده است.

جدول ۶- معیارهای مرتبط با برازش مدل ساختاری

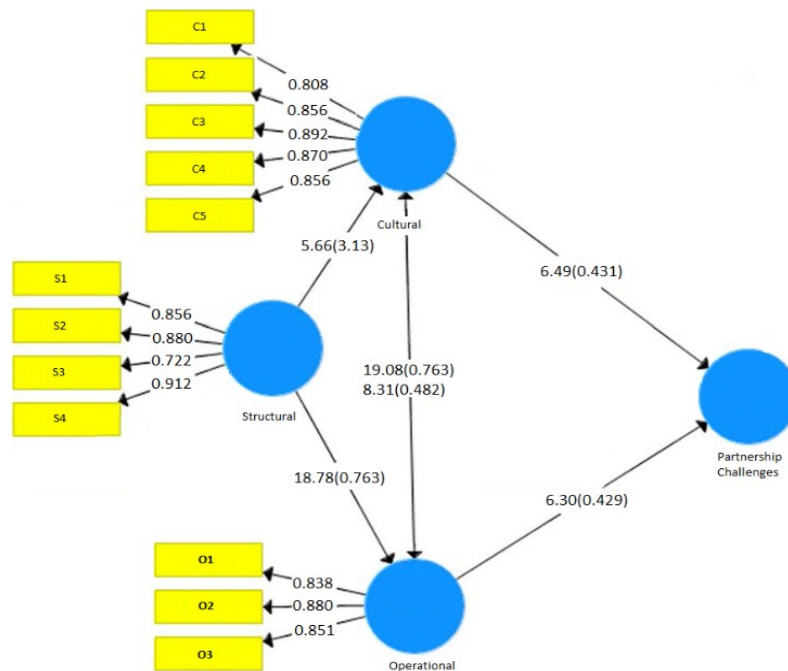
متغیرهای پژوهش	گویه‌های مرتبط با هر متغیر	ضرایب بار عاملی	AVE	آلفای کرونباخ	پایایی ترکیبی
اجتماعی	C ₁	۰/۷۹۹	۰/۷۱۶	۰/۷۵۸	۰/۸۸۱
	C ₂	۰/۷۷۸			
	C ₃	۰/۸۳۵			
	C ₄	۰/۷۶۸			
	C ₅	۰/۸۲۲			
بنیادی	S ₁	۰/۷۸۳	۰/۶۶۸	۰/۷۵۲	۰/۸۶۶
	S ₂	۰/۸۳۴			
	S ₃	۰/۸۵۱			
	S ₄	۰/۷۹۸			
اجرایی	O ₁	۰/۸۳۳	۰/۶۴۶	۰/۸۱۸	۰/۸۷۴
	O ₂	۰/۸۲۵			
	O ₃	۰/۷۹۱			

با توجه به مقادیر به‌دست‌آمده در جدول ۶ نیز برازش مدل ساختاری مورد تأیید قرار گرفته است. به‌منظور برازش کلی مدل با توجه به مطالب ذکر شده در روش تحقیق از شاخص SRMR استفاده گردیده که مقدار به‌دست‌آمده در این پژوهش برابر با ۰/۰۴۸ است که نشان از برازش مناسب کلی مدل این پژوهش دارد. مقادیر آماره تی برای تمامی مسیرها باید از میزان استاندارد قدر مطلق ۱/۹۶ بالاتر باشد (Lin & Powell, 2021: 290). در این مقادیر آماره تی برای تمامی روابط بالاتر از مقدار ۱/۹۶ است که گواهی بر وجود رابطه‌های معنی‌دار بین ابعاد پژوهش است. در جدول ۷ ضرایب مسیر و آماره تی و همچنین شدت ارتباطات نشان داده شده است.

جدول ۷- نتایج حاصل از آماره تی و ضرایب مسیر

فرضیه	جهت رابطه	ضریب مسیر	آماره t	شدت تأثیر	نتیجه آزمون
H ₁	مستقیم	۰/۳۸۳	۵/۶۶	۰/۱۷۰	تأیید
H ₂	مستقیم	۰/۷۶۳	۱۸/۷۸	۰/۳۹۸	تأیید
H ₃	مستقیم	۰/۷۶۴	۱۹/۰۸	۰/۳۹۳	تأیید
H ₄	مستقیم	۰/۴۸۲	۸/۳۱	۰/۲۸۹	تأیید
H ₅	مستقیم	۰/۴۳۱	۶/۴۹	۰/۲۲۴	تأیید
H ₆	مستقیم	۰/۴۲۹	۶/۳۰	۰/۲۱۵	تأیید

با توجه به نتایج حاصل از جدول ۷، تمامی روابط در این پژوهش مورد تأیید قرار گرفته است. در شکل ۲ مقادیر آماره t و ضرایب مسیر نیز نشان داده شده است.



شکل ۲. آماره t و ضرایب مسیر

بحث و نتیجه‌گیری

مشارکت اجتماعی عامل کلیدی و اساسی در دستیابی به توسعه گردشگری جامعه‌محور است. در بررسی ادبیات و پیشینه تحقیق به وضوح اهمیت مشارکت جامعه در طرح‌های توسعه، نشان داده شد. در واقع مشارکت جامعه به عنوان سنگ بنای گردشگری جامعه‌محور، توسط محققین مختلف مورد توجه قرار گرفته است، زیرا حفظ و توسعه منابع مورد نیاز برای توسعه گردشگری اغلب نشان‌دهنده منافع جوامع محلی و مقامات بین‌المللی است. این مقاله چالش‌های مرتبط با مشارکت جامعه در گردشگری مانند کمبود ظرفیت برای مشارکت در طرح‌های توسعه، عدم حمایت دولت، کمبود بودجه و زیرساخت‌ها و

همچنین نخبه‌گرایی، جناح‌بندی، و... را مورد بررسی قرار داد. برای حصول اطمینان از مشارکت حداکثری، جامعه باید به ابتکارات و فعالیت‌های گردشگری به‌خوبی آگاه و آموزش دیده باشد و حمایت کافی از آنها برای مشارکت کامل در طرح‌های توسعه گردشگری در منطقه خود صورت گیرد. (Hastuti & Assriyani, 2021:154).

پس از بررسی مطالعات مشابه و استخراج چالش‌های شناسایی‌شده توسط سایر محققین، در این مقاله، سه مضمون پدید آمد که نشان‌دهنده طیفی از چالش‌های پیش روی جوامع از نظر مشارکت در گردشگری مبتنی بر جامعه در ایران است.

طبق نظر خبرگان تحقیق و نتایج این مطالعه، چالش‌ها ضمن تعدیل و کاهش، در سه دسته کلی‌تر چالش‌های اجرایی، بنیادی و اجتماعی، جانمایی و دسته‌بندی شدند. چالش‌هایی که به‌عنوان موانع اجرایی طبقه‌بندی می‌شدند عبارت‌اند از: عدم دسترسی به اطلاعات، فقدان ساختارهای تصمیم‌گیری کارآمد و بسترهای گفتگو و عدم شفافیت و پاسخگویی. در مقابل، چالش‌های بنیادی شامل: جناح‌بندی، کمبود بودجه، آموزش و سیاست‌گذاری نامناسب است. در نهایت، موانع اجتماعی شامل: عدم آگاهی جامعه، بی‌اعتمادی، نخبه‌گرایی، توزیع نابرابر هزینه‌ها و منافع و تضاد منافع است. این چالش‌ها مانع مشارکت جامعه در برنامه‌ریزی گردشگری و تحقق گردشگری جامعه‌محور در ایران می‌شوند. لازم به ذکر است در سال ۲۰۰۵ هارتری و وود موانع شخصی را هم معرفی کردند که می‌توان چالش‌های مرتبط با این دسته را در موانع اجتماعی جا داد.

تمامی عوامل گنجانده شده در این پژوهش برگرفته از تحقیقات مشابه قبلی است. تمام الزامات و شاخص‌های مورد استفاده از ادبیات استخراج شده و متناسب با شرایط و اقتضائات ایران توسط خبرگان تحقیق، تعدیل شده‌اند.

طبق یافته‌های این تحقیق ریشه چالش‌های اجرایی و اجتماعی، چالش‌های بنیادی است. علت را می‌توان قدرت زیاد دستگاه‌های دولتی در فرایند تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی دانست و به همین دلیل نهادهای محلی می‌بایست با اولویت‌های دولت اقدام نموده و برنامه‌ریزی نمایند. این نوع ساختار متمرکز منجر به عدم اجرای رویکرد مشارکتی در

جامعه محلی خواهد شد. به عقیده زیلینسکی و همکارانش (۲۰۱۸) برای تمرکززدایی برنامه‌ریزی گردشگری از سطح ملی به محلی، استفاده از سیستم‌های قانونی و اداری مؤثر برای کسب قدرت جامعه، می‌تواند مؤثر باشد. البته تمرکززدایی به علت ماهیت سیاسی آن، کار آسانی نیست و با چالش‌های بسیار روبرو خواهد بود. در مقابل ریشه چالش‌های بنیادی، در تنش بین افرادی است که برنامه و طرح‌ها را تدوین می‌کنند. این تنش و اختلافات هنگامی بروز می‌کند که از آن‌ها خواسته شود با مشارکت جامعه در تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی، به‌عنوان روشی مؤثر برای توسعه گردشگری، موافقت کنند. به عقیده توسان، هنگامی این مشارکت اتفاق می‌افتد و طراحان و برنامه‌ریزان با حضور مردم محلی موافق می‌کنند که سازمان‌های غیردولتی یا NGO قدرتمند و قوی در جامعه مقصد، فعال باشند. در این صورت است که مشارکت اجتماعی به‌عنوان حق افراد جامعه تلقی می‌شود و مشارکت اجتماعی واقعی اتفاق خواهد افتاد (Tosun & Timothy, 2001: 357).

ازجمله چالش‌های اجتماعی که در این تحقیق به آن اشاره شد، نخبه‌گرایی در جامعه است. این چالش شناسایی شده در تحقیق حاضر با پژوهش ریزال در سال ۲۰۲۰ در اندونزی مطابقت دارد؛ وی به این نتیجه رسید که در جوامع سنتی نخبگان تأثیر زیادی بر تصمیمات افراد جامعه دارند. علت آن را هم احترام زیاد و تعصب مردم محلی به نخبگان می‌داند. از نظر آنها نادیده گرفتن نظر نخبگان، بی‌ادبانه تلقی می‌شود. به این صورت است که گویی برای نخبگان حق اتخاذ هر تصمیمی از طرف همه صادر شده است. سنت باعث می‌شود که جامعه علاوه بر پذیرش آنچه توسط نخبگان تعیین می‌شود، انتخاب‌های زیادی نداشته باشد. در چنین جوامعی، عدم توافق نشانه بی‌احترامی خواهد بود (Rizal, 2020: 185).

اشلیکی و کبودی (۲۰۱۲) معتقدند سطح پایین دانش و آگاهی جمعیت محلی و همچنین حساسیت‌های مذهبی، مانع مشارکت هستند. در تحقیق حاضر نیز عدم آگاهی جامعه جزئی از چالش‌های اجتماعی شناسایی شد اما حساسیت‌های مذهبی به‌عنوان چالش مشارکت اجتماعی در گردشگری ایران، مطرح نشد (Eshliki & Kaboudi, 2012: 63).

بر اساس یافته‌های این بررسی ایجاد شراکت و همکاری قوی بین ذینفعان، ازجمله جوامع محلی، سازمان‌های دولتی، سازمان‌های غیردولتی و اپراتورهای گردشگری بسیار مهم بوده و نشاط اجتماعی را به همراه دارد. این رویکرد مشترک، تصمیم‌گیری مشترک، اشتراک منابع و ظرفیت‌سازی را تضمین کرده و فعالیت‌های گردشگری را مؤثرتر و موفق‌تر پیش خواهد برد. بنابراین با آگاهی از چالش‌های شناسایی‌شده در این تحقیق متولیان گردشگری ایران باید در جهت مرتفع ساختن این چالش‌ها همت گماشته و تمام توان خود را به‌کارگیرند تا جامعه‌ای شادتر داشته باشیم. انتظار می‌رود با اعتمادسازی، هم‌راستا سازی منافع همه ذینفعان، آموزش و آگاه‌سازی جامعه محلی، جذب بودجه، تدوین سیاست‌های مشارکتی و اعمال شفافیت در امر برنامه‌ریزی گردشگری، بسیاری از این چالش‌ها مرتفع شوند. در این راستا لازم است اقدامات نظام‌مندی از سوی دولت و سازمان دهندگان گردشگری برای غلبه بر موانعی که چالش مشارکت جامعه در برنامه‌ریزی گردشگری است انجام شود. اگر در حال حاضر بیشتر برنامه‌ریزی‌های گردشگری صرفاً به توسعه امکانات یا زیرساخت‌ها برای تسهیل دسترسی فیزیکی می‌پردازند، اکنون باید دسترسی به اطلاعات توسط جوامع محلی در برنامه‌ریزی گردشگری نیز فراهم شود. پلتفرم‌های گفتگوی منظم باید با مشارکت دولت، توسعه‌دهندگان و جوامع محلی سازمان‌دهی شود.

ایجاد اعتماد، شفافیت و مسئولیت‌پذیری مستلزم بوروکراسی است که درک و عبور از آن توسط جوامع محلی ساده و آسان باشد. دولت و مدیریت گردشگری نیز باید سازمان‌های غیردولتی را به‌عنوان پلی برای جامعه و سایر ذینفعان درگیر کند. سازمان‌های غیردولتی می‌توانند به کارشناسان برنامه‌ریزی گردشگری موردنیاز جامعه و واسطه‌هایی تبدیل شوند که کارایی جریان تصمیم‌های مدیریتی و بازخورد را در سیستم برنامه‌ریزی افزایش دهند. سازمان‌های غیردولتی نیز مدافع گروه‌های به حاشیه رانده خواهند شد.

مالکیت جامعه محلی مقصد باید از طریق توافق‌نامه‌های کتبی و قرار دادن افراد محلی در مدیریت گردشگری تضمین شود. تنظیم توافق‌نامه‌های مکتوب به‌صورت رسمی، جامعه

را تشویق می‌کند، که توسعه گردشگری را تلاشی برای تصرف حقوق مالکیت آن‌ها می‌داند. آن‌ها خواهند دانست که صاحب فرهنگ و محیط‌زیست مقصد هستند (Huong, et.al, 2020: 876). در همین حال، تأمین نیاز به آگاهی جامعه محلی از طریق آموزش محقق خواهد شد. بنابراین، حمایت‌های بودجه‌ای باید برای ظرفیت‌سازی جوامع محلی ارائه شود.

کمپین‌های آگاهی از گردشگری جامعه‌محور برای جوامع محلی باید به‌طور منطقی و قابل قبول انجام شود. یک کمپین خانه به خانه با سیستم چهره به چهره کمک قابل توجهی به ایجاد روابط اجتماعی برابر برای کاهش مشکل اختلاف قدرت خواهد کرد. در این جریان، سازمان‌های غیردولتی، دولت‌ها یا توسعه‌دهندگان می‌توانند مزایا و خطرات گردشگری جامعه‌محور را تشریح کنند. سود و ریسک‌هایی که به‌طور مساوی تقسیم می‌شوند، حس انصاف ایجاد می‌کند که خطر تضاد منافع را در آینده کاهش می‌دهد.

آنچه مسلم می‌نماید، این است که اگر جامعه‌ای می‌خواهد گردشگری را توسعه دهد، داشتن شهروندانی با نشاط و شاداب از موارد با اهمیت است و زمانی می‌توان به کمال نشاط اجتماعی رسید که شرایط مشارکت و همکاری جامعه محلی با کارگزاران گردشگری مقصد فراهم شود و این مهم در صورتی محقق می‌شود که موانع به‌درستی شناسایی و مرتفع گردند.

مقامات دولتی به‌عنوان سیاست‌گذار می‌توانند سیاست‌های انطباقی و مسئولانه ایجاد کنند، بنابراین نوآوری می‌تواند بدون اجبار ایجاد شود (McCabe & Qiao, 2020: 476). این امر منجر به مدیریت همه منابع به شیوه‌ای می‌شود که نیازهای اقتصادی، اجتماعی و زیرساختی را برآورده کند. مطابق با این مفهوم، به‌طور قابل ملاحظه‌ای بر افزایش ظرفیت منابع انسانی و تحقق جنبه‌های همکاری و شبکه‌سازی تأثیر می‌گذارد تا همه طرف‌های ذینفع بتوانند سود ببرند (Kamaludin, et.al, 2021: 147).

وجه تمایز پژوهش حاضر با تحقیقات مشابه در خصوص خلأهای نظری شناسایی شده در بخش بررسی پیشینه تحقیق است و سعی شد مقاله حاضر این شکاف‌ها را مرتفع سازد.

به این صورت که اولاً از داشتن دیدگاهی جزءنگر دوری کرده و مسئله مشارکت را در تمام بخش‌های صنعت گردشگری مدنظر قرار داده است؛ به عبارتی توصیه‌ها و پیشنهادهاى داده‌شده برای بخش خاصی یا گونه‌ای مشخص از گردشگری نیست و برای همه انواع گردشگری در ایران صادق است. از طرفی دیگر توجه این مقاله به موضوع مهم و اولویت‌دار "مشارکت اجتماعی در صنعت گردشگری ایران"، که طی چند سال اخیر این موضوع کمتر مورد توجه محققین ایرانی بوده است. مورد دیگر توجه به نشاط اجتماعی از طریق تحقق مشارکت صحیح می‌باشد. همچنین توجه به فرهنگ ایران در تعیین و شناسایی چالش‌ها است. به عبارتی توجه به این نکته مهم است که مبحث مشارکت جامعه محلی، ماهیت و ذاتی اجتماعی داشته و می‌بایست برای هر جامعه‌ای متناسب با شرایط و اقتضائات خاص آن جامعه، به آن نگریسته شود. در حقیقت تعمیم نتایج مطالعات مشابه که در جامعه‌ای متفاوت بررسی شده‌اند، به سایر جوامع امکان‌پذیر نیست. مطالعه حاضر نیز به این نکته توجه نموده و چالش‌های مشارکت اجتماعی را پس استخراج، تعدیل و بومی‌سازی با اعمال نظر خبرگان، در خصوص گردشگری ایران بکار گرفته است.

لازم به ذکر است، درحالی‌که سعی شد این تحقیق به صورت جامع از تحقیقات موجود استفاده نموده و چالش‌ها را شناسایی نماید، اما بدون محدودیت نیست. این بررسی در درجه اول بر نشریات انگلیسی و فارسی‌زبان متمرکز بود، که ممکن است منجر به حذف برخی از مطالعات مرتبط شود. بعلاوه، این بررسی به در دسترس بودن و کیفیت مطالعات وارد شده متکی بوده و تغییرات در روش‌شناسی و زمینه‌های تحقیق ممکن است نتایج متفاوتی را حاصل کند. همچنین دسترسی سخت به خبرگان و عدم پاسخگویی برخی از اعضای نمونه، از جمله محدودیت‌های این تحقیق بوده است.

پیشنهاد می‌شود مطالعات بیشتر می‌تواند تأثیرات درازمدت گردشگری مبتنی بر جامعه را بر جوامع محلی، از جمله ابعاد اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و زیست‌محیطی بررسی کند. علاوه بر این، نیاز به تحقیقات بیشتر در مورد رویکردهای نوآورانه و بهترین شیوه‌ها در تعامل و توانمندسازی جامعه در چارچوب گردشگری جامعه‌محور وجود دارد. علاوه بر این،

تحقیقات در مورد نقش فناوری، پلتفرم‌های دیجیتال و رسانه‌های اجتماعی در افزایش تجارب گردشگری مبتنی بر جامعه و استراتژی‌های بازاریابی ارزشمند خواهد بود.

به عنوان سخن پایانی توجه به این نکته ضروری است که نقش جامعه محلی در تقویت «گردشگری مبتنی بر جامعه» برای ایجاد یک رابطه هماهنگ و متقابل سودمند بین گردشگری و جوامع محلی ضروری است. با توانمندسازی و مشارکت جامعه محلی، گردشگری می‌تواند به حفظ میراث فرهنگی، توسعه اقتصادی و حفاظت از محیط‌زیست کمک کند و در نهایت آینده‌ای پایدارتر و عادلانه را برای جامعه و صنعت گردشگری ایجاد کند. یافته‌ها اهمیت مشارکت جامعه را برجسته کرده و پیامدهای این بررسی بر نیاز به تصمیم‌گیری فراگیر و اهمیت مشارکت اجتماعی در توسعه گردشگری تأکید می‌کند. با رفع چالش‌های شناسایی و کاوش در جهت‌های تحقیقاتی آتی، این بررسی به پایگاه دانش کمک کرده و از توسعه گردشگری جامعه‌محور حمایت می‌کند که هم برای جوامع محلی و هم برای صنعت گردشگری به عنوان یک کل سودمند خواهد بود.

سپاسگزاری

از تمام افرادی که به عنوان پاسخگو، در انجام این پژوهش من را یاری رساندند کمال تشکر را دارم.

تعارض منافع

تعارض منافع ندارم.

ORCID

Faeze Mirfakhraddini  <https://orcid.org/0000-0002-8457-0769>

منابع

- اخشی، نازیلا و گلابی، فاطمه. (۱۳۹۴). مشارکت اجتماعی و نشاط اجتماعی. جامعه‌شناسی کاربردی، دوره بیست‌وشش، شماره ۳: ۱۳۹-۱۶۰.
- اسماعیلی زاده، حسن؛ تبریزی، نازنین و رمضان زاده لسویی، مهدی. (۱۳۹۸). سنجش رفتار مشارکتی جامعه محلی در توسعه گردشگری کشاورزی (مطالعه موردی شهر سیسخت). مطالعات ساختار و کارکرد شهری، سال ششم، شماره ۲۰: ۱۲۷-۱۴۶.
- تولایی، سیمین؛ سلیمانی، محمد؛ جهانی دولت‌آباد، رحمان و جهانی دولت‌آباد، اسماعیل. (۱۳۹۶). نقش مشارکت جوامع محلی در صنعت گردشگری پایدار (مطالعه موردی: سرعین). پژوهش‌های جغرافیای انسانی، دوره ۴۹، شماره ۱: ۹۵-۱۱۳.
- زرندیان، ندا؛ فرزین، محمدرضا، شالبافیان، علی‌اصغر؛ پور فرج، اکبر و محمود زاده، سید مجتبی. (۱۴۰۰). طراحی چارچوب مشارکت عمومی خصوصی در گردشگری بر مبنای فراترکیب مطالعات پیشین. فصلنامه علمی - پژوهشی گردشگری و توسعه، سال دهم، شماره ۲: ۲۵۱-۲۷۶.
- Adebayo, Adenike D., & Butcher, Jim. (2021). Constraints and drivers of community participation and empowerment in tourism planning and development in Nigeria. *Tourism Review International*, 25(2), 209-227. <https://doi.org/10.3727/154427221X16098837280000>
- Ahsani, Retno Dewi Pramodia, Wulandari, Catur, Dinata, Chandra, Amirah, Novia, Fathani, Aqil Teguh. (2022). The Challenges and Opportunities for Developing Community-Based Tourism in Indonesia. *Journal of Governance*, 7(4), P. 864-876.
- <http://dx.doi.org/10.31506/jog.v7i4.16232>
- Aliah, Nur; Ibrahim, Mazne; Rusli, Siti Atikah & Derweanna Simpong (2020). Empowering indigenous communities through participation in tourism. *International Journal of Tourism Anthropology*, 7(3/4), 309-328. <https://doi.org/10.1504/IJTA.2019.107323>
- Bello, Felix G. (2021). Community participation in tourism planning at majete wildlife reserve, Malawi. *Quaestiones Geographicae*, 40(4), 85-100. <https://doi.org/10.2478/quageo-2021-0035>

- Boonwanno, Sakawrat, Laeheem, Kasetchai, & Hunt, Banthita. (2022). Takua Pa Old Town: Potential for resource development of community-based cultural tourism management. *Kasetsart Journal of Social Sciences*, 43(1), 88–93. <https://doi.org/10.34044/j.kjss.2022.43.1.12>
- Cahyadi, Hery Sigit, & Newsome, David. (2021). The post COVID-19 tourism dilemma for geoparks in Indonesia. *International Journal of Geoheritage and Parks*, 9(2), 199–211. <https://doi.org/10.1016/j.ijgeop.2021.02.003>
- Eshliki, Sajad, & Kaboudi, Mahdi. (2017). Perception of Community in Tourism Impacts and their Participation in Tourism Planning: Ramsar, Iran. *Journal of ASIAN Behavioural Studies*, 2(4), 59–69. <https://doi.org/10.21834/jabs.v2i4.207>
- Gohori, Owen & van der Merwe, Petrus. (2021). Barriers to community participation in Zimbabwe's community-based tourism projects. *Tourism Recreation Research*, 1–14. <https://doi.org/10.1080/02508281.2021.1989654>
- Hair Jr, Joseph, Hult, Tomas, Ringle, Christian, Sarstedt, Marko, Danks, Nicholas & Ray, Soumya(2021). *Partial least squares structural equation modeling (PLS-SEM) using R: A workbook*. In: Springer Nature.
- Hastuti, Hastuti & Assriyani, Assriyani. (2021). Sustainable Tourism Implementation and Challenges Faced By Hoteliers Through Tourism Practices in Prawirotaman Tourist Village, Yogyakarta Special Region Province. *Journal of Sustainability Science and Management*, 16(1), 141–157. <https://doi.org/10.46754/jssm.2021.01.013>
- Huong, Le Hue; Thuy, Bui Loan & Thi Phuong, Linh Nguyen (2020). Promoting participation in local natural resource management through ecological cultural tourism: Case study in Vam Nao Reservoir Area, An Giang Province, Vietnam. *Journal of Asian and African Studies*, 55(6), 863–879. <https://doi.org/10.1177/0021909620935426>
- Huy, Nguyen VAN; Lee, Diane & Newsome, David. (2020). Kinh and ethnic tourism stakeholder participation and collaboration in tourism planning in Sapa, Vietnam. *International Journal of Culture, Tourism and Hospitality Research*, 14(4), 579–597. <https://doi.org/10.1108/IJCTHR-12-2018-0179>
- Kala, Devkant & Bagri, Satish Chandra. (2018). Barriers to local community participation in tourism development: Evidence from mountainous state Uttarakhand, India. *Tourism*, 66 (3), 318–333. <https://www.researchgate.net/publication/328064696>

- Kineber; Ahmed Farouk, Othman; Idris, Oke Ayodeji, Chileshe, Nicholas & Buniya, Mohanad kamil. (2021). Impact of value management on building projects success: structural equation modeling approach. *Journal of Construction Engineering and Management*, 147(4),137-156
[https://doi.org/10.1061/\(ASCE\)CO.1943-7862.0002026](https://doi.org/10.1061/(ASCE)CO.1943-7862.0002026)
- Kurniawan, Cahyadi; Purnomo, Eko Priyo; Fathani, Aqil Teguh & Fadhlorrohan, Mochammad Iqbal (2021). Analysis Strategy of Tourism Development During the Pandemic in Yogyakarta. The 11th International Conference on Information Communication and Management, 142–148.
<https://doi.org/10.1145/3484399.3485667>
- Lekaota, Dian. (2019). Local communities' perceptions on the role of tourism in protected areas. *Tourism and Leisure*, 9(1). 1-12.
DOI:10.1080/23311886.2022.2164240
- Lin, Xin & Powell, Sarah. (2021). Examining the relation between whole numbers and fractions: A meta-analytic structural equation modeling approach. *Contemporary Educational Psychology*, 67.278-301.
DOI:10.1016/j.cedpsych.2021.102017.
- Lluart, María Rosa Naranjo. (2022). Theoretical model for the analysis of community-based tourism: Contribution to sustainable development. *Sustainability*, 14(17), 1-41. <https://doi.org/10.3390/su141710635>
- Mai, Robert; Niemand, Thomas & Kraus, Sascha. (2021). A tailored-fit model evaluation strategy for better decisions about structural equation models. *Technological Forecasting and Social Change*, 173, 121142, 1-17.
<https://doi.org/10.1016/j.techfore.2021.121142>
- Matiku, Susan Mbithe ; Zuwarimwe, Jethro & Tshipala, Ndivhuwo. (2021). Sustainable tourism planning and management for sustainable livelihoods. *Development Southern Africa*, 38(4), 524–538.
<https://doi.org/10.1080/0376835X.2020.1801386>
- McCabe, Scott & Qiao, Guanghui. (2020). A review of research into social tourism: Launching the Annals of Tourism Research Curated Collection on Social Tourism. *Annals of Tourism Research*, 85(4),463-479.
<https://doi.org/10.1016/j.annals.2020.103103>
- Ponna, P. (2011). Community participation for sustainable tourism in heritage site: A case of Angkor, Siem Reap Province, Cambodia. Mudra. *Journal of Electrical Systems*. 26(3). 306-311.Doi: <https://base.socioeco.org/docs/1002-3702-1-pb.pdf>

- Rastegar, R., Zarezadeh, Z., & Gretzel, U. (2021). World heritage and social justice: Insights from the inscription of Yazd, Iran. *Journal of Sustainable Tourism*, 29(2–3), 521–540. <https://doi.org/10.1080/09669582.2020.1782925>
- Reindrawati, Dian Yulie. (2023) Challenges of community participation in tourism planning in developing countries. *Cogent Social Sciences*, 9:1, 1-12. DOI: 10.1080/23311886.2022.2164240
- Rizal, Mutia. (2020). Javanese culture in internal control in government bureaucracy. Proceedings of the Third *International Conference on Social Transformation, Community and Sustainable Development* (ICSTCSD 2019), Purwokerto, Indonesia. Atlantis Press.181-187. <https://doi.org/10.2991/icstcsd-19.2020.37>
- Sapkota, Krishna Prasad; Palamanit, Arkom; Techato, Kuaanan ; Gyawali, Saroj; Prasad Ghimire, Hari & Khatiwada, Bishal. (2024). The Role of Local Community in Enhancing Sustainable Community Based Tourism. *J. Electrical Systems*, 20(7). 558-571.
- Sarr, Birame; González-Hernández, Matías Manuel; Boza-Chirino, Jose & de León, Javier. (2020). Understanding communities' disaffection to participate in tourism in protected areas: A social representational approach. *Sustainability*, 12 (9), 1-22. <https://doi.org/10.3390/su12093677>
- Setokoe, Tshepiso & Ramukumba, Takalani. (2020). Challenges of Community Participation in Community-Based Tourism in Rural Areas. *WIT Transactions on Ecology and the Environment*, 248, P.13-22. doi:10.2495/ST200021
- Setokoe, Tshepiso; Ramukumba & Ferreira. (2019) Community participation in the development of rural areas: a leaders' perspective of tourism. *African Journal of Hospitality, Tourism and Leisure*, 8(1), pp. 1–15.
- Shoar, Shahab & Chileshe, Nicholas. (2021). Exploring the causes of design changes in building construction projects: an interpretive structural modeling approach. *Sustainability*, 13(17), 1-23. DOI:10.3390/su13179578
- Simpson, Brad. (2021). Indonesian Transmigration and the crisis of development, 1968–1985. *Diplomatic History*, 45(2), 268–284. <https://doi.org/10.1093/dh/dhaa087>
- Sitikarn, Bussaba. (2021). Sustainable community-based tourism: impact, challenges and opportunities (the case of Huai Nam Guen Village, Chiang Rai Province, Thailand). *E3S Web of Conferences*. 1-11. DOI:10.1051/e3sconf/202128410006

- Tosun, Cevat & Timothy, Dallen. (2001). Shortcomings in planning approaches to tourism development in developing countries: The case of Turkey. *International Journal of Contemporary Hospitality Management*, 13 (7), 352–359. <https://doi.org/10.1108/09596110110403910>
- Wankhede, Vishal Ashok & Vinodh, Sekar. (2021). Application of total interpretive structural modeling for analyzing factors of additive manufacturing and industry 4.0 integration. *Rapid Prototyping Journal*, 27(8), 1591-1608.
- Wanner, Alice & Pröbstl-Haider, Ulrike. (2019). Barriers to stakeholder involvement in sustainable rural tourism development—experiences from Southeast Europe. *Sustainability*, 11(12), 1-16. <https://doi.org/10.3390/su11123372>
- Zielinski, Seweryn; Kim, Seong-il; Botero, Camilo & Yanes, Andrea Carolina Yanes. (2020). Factors that facilitate and inhibit community-based tourism initiatives in developing countries. *Current Issues in Tourism*, 23(6), 723–739. <https://doi.org/10.1080/13683500.2018.1543254>.

استناد به این مقاله: میرفخرالدینی، فائزه سادات. (۱۴۰۴). چالش‌های مشارکت اجتماعی در جریان توسعه گردشگری جامعه‌محور در ایران. فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، ۱۶ (۶۳)، ۸۱–۱۲۲.



Social Development and Welfare Planning Journal is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.